



ضد فوتبال؛ حکایت نیمکت ها

بایدو شاید افافه نمی‌کند تا کار به دادوفریاد، تنش با دیاباته و غیب شدن دانشگر، درگیری نیمکت دو تیم، اتهام استراق سمع، فحاشی‌های آخر مسابقه و آن رسوایی تلویزیونی و نزاع علنی دو مدیر باشگاه برسد.

فولاد آرنا به‌مثابه یک ورزشگاه نمادی از صلابت و مدرنیت است اما آنچه در فوتبال باشگاهی کشور دیده نمی‌شود همین روحیه مدرنیت، تمدن و خودسازی است. آنچه در این مسابقه و خارج از زمین هویدا بود ناظر به همین فرهنگ ضد فوتبال و روحیه خارج از عرف جوانمردی و عیاری در ورزش بود. به باور مینیستر (۱۳۹۶) ضد فوتبال به‌مثابه یک تهدید نشان می‌دهد که تیم‌ها دارند از مسیر تعالی پا پس می‌کشند و خشمی برده‌وار هدف غایی بازی را تعریف می‌کند. در فرهنگ ضد فوتبال، حاشیه غذا است؛ از همین روست که حاشیه بدل به متن فوتبال باشگاهی کشور شده و فوتبال ما عاری از تسلط بر نفس و فضایی نظیر خونسردی، متانت و تربیت جسم و روح گشته است. می‌توان گفت در حال حاضر بُردن، هدف اول و آخر تیم‌های فوتبال کشور شده است و راه‌های رسیدن به این مهم نیز صرفاً از مسیرهای متعارف قراردادی ورزشی نمی‌گذرد. حال حاشیه‌ها بر متن فوتبال و بازی توپ و تکنیک و تاکتیک چربش پیدا کرده‌اند و این جادو و جنبل‌ها و سناریوهاست که نتیجه نهایی و احوال فوتبال را رقم می‌زند. قانون چه در سویه سلبی و چه سویه ایجابی آن نتوانست در این مسابقه نظم و سیاق لازم را حفظ نماید و چنین امری این نکته را به ما یادآور شده که همه حواشی و مصائب فوتبال ملی و باشگاهی امروز و معاصر ما نه در اشتباهات داور و مشکلات مالی و تلاش فنی مربیان بلکه در عدم نهادینه شدن و اعمال سفت‌وسخت قانون و برخورد سلیقه‌ای با موضوعات است. امری که بیش‌ازپیش برای بازیکنان و کادری‌های فنی معلوم گشته و ما به عصر تازهای از سروری بازیکنان و عریده‌کشی مربیان و به‌طور کل فرهنگ دعوا، اعتراض پیاپی و نابجا، جنجال‌آفرینی و خود مدعی‌پنداری و غیر حرفه‌ای‌گری تام و تمام رسیده‌ایم. بدبینی بی‌ریخت و بدهیبت و به‌دور از اخلاق و مشی حرفه‌ای‌گری.

مینیستر، استیون (۱۳۹۶) ضد فوتبال چه ایرادی دارد؟؛ در فوتبال و فلسفه، ترجمه عیسی عظیمی، نشر مرکز، چاپ اول، تهران.

کنترل، مدیریت و هدایت کادر فنی از عهده سرمربی خارج شده یا این خود یک برنامه نانوخته یا از پیش تعیین شده است. نمی‌دانیم. در اینجا شاهد عدم رعایت سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری در کادر فنی نیمکت‌نشین باشگاه در دو تیم هستیم. به نحوی که حتی پای عکاسی و تدارکات دو تیم نیز در روند مسابقه وسط کشیده می‌شود. در عکس‌ها توفانی برپاست. توفانی نه ناشی از جدال اندیشه و توپ گرد فوتبال که ستیز دیرینه اهالی فوتبال. زبان بدن سرمربی فولاد و سرپرست تیم استقلال زبان جنگ نیست اما آنچه تلویحاً در جریان است چیزی جز منازعه‌ای بی‌امان نیست. مسئول فدراسیون با دفتر دوستک در عکس حاضر است و کت‌شلوارپوش ناظر ماجراست و داور نیز از عهده مدیریت این جریان تمام‌نشدنی کشمکش‌های بین دو نیمکت برنمی‌آید و نظاره‌گر ماجراست و جُرّ سلاح کارت زرد و قرمز،

عکس‌ها همگی موقعیتی خارجی داشته و به منظور گزارشی مصور و ورزشی در ورزشگاه فولاد آرنا در تاریخ ۳۰ آبان ماه ۱۳۹۹ ثبت شده‌اند. مسابقه زیر نورهای مصنوعی در شب گرفته شده است و هر چقدر ورزشگاه امروزی و مجهز است اما فرهنگ حاکم بر مسابقه بدوی و دور از شئونات فرهنگی است. در عکس‌ها پیست ورزشگاه را ملتهب می‌بینیم. افراد در جایگاه خود مستقر نیستند. پراکندگی به اوج خود رسیده است. نوعی آشوب و بی‌نظمی سراسیمه‌وار در این بخش از ورزشگاه حاکم شده و نظم بازی را به هم زده است.

اهرم فشار دیگری ندارد. در عکسی دیگر شاهد کارت گرفتن یکی از اعضای کادر فنی استقلال هستیم. این وضعیتی غریب است. وضعیتی که داور از مستطیل سبز خارج شود و به فردی جز بیست دو نفر درون زمین مسابقه، کارت نشان دهد. این وضعیت نمادین گویای آن است که مقدرات فوتبال باشگاهی کشور در حال حاضر بیش از آنکه درون زمین رقم بخورد، تابع شیمی پیچیده بیرون بازی است. کمک‌داور در یکی از صحنه‌ها تلاش دارد مربی تیم آبی را از درگیری بیشتر کنار نگه دارد اما این تمهیدات نیز آنطور که

سابق و پیشکسوتانی را ببینیم که حال در یک خط و یک صف به‌عنوان کادر فنی تیم فوتبال کنار هم قرار گرفته‌اند تا علی‌الظاهر هدف سازمانی باشگاهشان را تحقق بخشند. فارغ از آنکه چنین شیوه‌ای ساماندهی کادر فنی عریض و طویل واجد چه نیت‌ها و انگیزه‌هایی است، می‌توان گفت این نیمکت‌های شلوغ و این سوءمدیریت در تعیین و شرح وظایف کادر تیم، این دوره از مسابقات را با حاشیه‌ای تازه دست‌به‌گریبان ساخته است. حاشیه‌ای دامنه‌دار و پرخشونت که حال نه درون زمین فوتبال که بیرون زمین و خارج از مستطیل سبز حادث می‌شود و تبعات آن به درون گود فوتبال نیز کشیده می‌شود. می‌دانیم رسم ایرانی چونان مناسکی بی‌چون‌وچرا در آغاز مسابقه برپا گردیده و نیمکت دو تیم به استقبال هم رفته و دست‌صالح و سازش می‌دهند اما دیری نمی‌پاید که این تعارف صوری ایرانی جای خود را به رویه زشت و ناپسند تضاد و هتاک و پرده‌دری می‌دهد. دیگر، خبری از گل و مصافحه نیست بلکه بساط، بساط فحاشی، بی‌ادبی و هتاک است. بازیکنان پر حاشیه و بعضاً رزمی‌کار همواره متوسط دهه هفتاد و هشتاد که اکنون با کسوت نامعلوم مربیگری بازگشته‌اند، نه‌تنها به کیفیت مسابقات نیفزوده‌اند که بر آتش حواشی و تنش‌های در فوتبال باشگاهی دیده‌اند.

عکس‌ها همگی موقعیتی خارجی داشته و به منظور گزارشی مصور و ورزشی در ورزشگاه فولاد آرنا در تاریخ ۳۰ آبان ماه ۱۳۹۹ ثبت شده‌اند. مسابقه زیر نورهای مصنوعی در شب گرفته شده است و هر چقدر ورزشگاه امروزی و مجهز است اما فرهنگ حاکم بر مسابقه بدوی و دور از شئونات فرهنگی است. در عکس‌ها پیست ورزشگاه را ملتهب می‌بینیم. افراد در جایگاه خود مستقر نیستند. پراکندگی به اوج خود رسیده است. نوعی آشوب و بی‌نظمی سراسیمه‌وار در این بخش از ورزشگاه حاکم شده و نظم بازی را به هم زده است. اندک حرکتی کل نیمکت را نیم‌خیز می‌کند و افراد ایستاده نبض کنار زمین را در دست گرفته و تلاش می‌کنند جریان روانی و ذهنی حاکم بر مسابقه و ورزشگاه را در دست بگیرند به‌طوری که در یکی از عکس‌ها فقط هشت نفر کنار خط طولی زمین مسابقه هیجان زده و آماده انجام اقدام و حرکتی در چارچوب‌های ذهنی خود هستند. شاهد بودیم که با هر اتفاق و ماجرای کل نیمکت دو تیم از پای‌راخته و به سمت زمین یورش برده یا بازیکن و مربی تیم حریف را مورد عتاب و خطاب قرار می‌دهند. آنطور که پیداست



آرش حسن‌پور

پژوهشگر مطالعات تصویری

در سری مسابقات هفته دوم لیگ برتر بیستم فوتبال باشگاه‌های کشور مسابقه تیم‌های فوتبال فولاد خوزستان و استقلال تهران برگزار شد که در نهایت با نتیجه دو بر یک به سود تیم میزبان پایان یافت. در این بازی وریا غفوری تک‌گل استقلال را از روی نقطه پنالتی به ثمر رساند اما در ادامه و در دقیقه ۷۶ فرشاد احمدزاده گل تساوی را زد و در دقیقه ۸۵ بازی، لوسیانو پیریرا از روی نقطه پنالتی گل دوم تیم فولاد را به ثمر رساند. این مسابقه در وضعیتی برگزار شد و به پایان خود رسید که جشنواره‌ای از کارت‌های زرد و قرمز نثار کادر فنی و بازیکنان دو تیم شد. از تیم فولاد، فرشاد احمدزاده (۶۶)، موسی کولی‌بالی (۷۹)، مهران درخشان‌مهر (۸۳)، محمد آبشک (۸۴) و از تیم استقلال مسعود ریگی (۸۶)، عارف غلامی (۸۶)، و محمدحسین مرادمند (۸۹) کارت زرد دریافت کردند. غیباوای، مربی فولاد در دقیقه ۳۹ به خاطر اعتراض به داور کارت زرد گرفت. همچنین سعید عزیزیان، مربی استقلال در دقیقه ۶۵ به خاطر اعتراض به داور کارت زرد دریافت کرد. در دقیقه ۸۵ مسابقه پس از درگیری بازیکنان دو تیم، نیمکت‌نشینان هم وارد میدان شدند که حسین کعبی، مربی فولاد با دریافت کارت قرمز از زمین مسابقه اخراج شد.

این بازی از حیث حواشی و غلبه حاشیه بر متن یکی از مسابقات استثنایی فوتبال باشگاه‌های کشور بود و از جهات مختلف شرایط مسأله‌مندی در خود داشت. یکی از این وجوه مسأله‌مندی مسابقه جنگی بود که بین نیمکت‌های دو تیم جریان داشت. جنگی تمام‌عیار و از پیش طراحی شده چونان یک بازی روانی پیچیده. شواهد گویای آن است که تیم‌های فوتبال کشور افزون بر تاکتیک‌های تیمی روی جنگ روانی نیز حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند و برای مسابقات حساس اینچنینی سناریوهای مخصوص به خود دارند. چیزی که در این دوره از مسابقات لیگ رخ‌نمایی می‌کند شلوغ بودن بی‌حدوحصر نیمکت‌هاست. کافی است به لیست کادر فنی تیم‌های استقلال و فولاد نگاه کنیم تا سیاه‌های از مربیان و بازیکنان